



## معماری سنتی ایران، کاروان سراها، حمامها، ختلهها و... در مسلخ معماری مدرن

راسته بازار بلندتر بود، طوری که از نمای بالا به راحتی شناخته می‌شد.

**چهارسوق** محل ارتباطی چهار بازار یا قیصریه بود و مکانی برای داروغه به نام تخت داروغه یا تخت میرشب در آن وجود داشت. راسته‌های مختلف در بازار به صنف‌های مشخص مربوط می‌شد که آن را رسته می‌نامیدند. رسته‌های مختلف در یک بازار متفاوت بودند. به عنوان نمونه راسته بازار کرمانشاه به رسته‌های مختلفی چون: بنکدارها، آهنگرها، صندوق‌سازها، بزازها، ادویه‌فروش‌ها، زرگرها، کلوچه‌پزها، صحاف‌ها و سراج‌ها تقسیم می‌شدند. علاف‌خانه نیز در قسمت انتهایی بازار برای تأمین علوفه و حبوبات مردم قرار داشت. در قسمتی از بازار لوازم آرایشی فروخته می‌شد و چون در این قسمت بیش‌تر دختران جوان و نوعروس‌ها رفت و آمد داشتند آن رسته را حوری‌آباد (جای رفت و آمد پریان زیباروی) می‌خواندند. در بیش‌تر بازارها رسته‌های پرسروصدایی چون مسگرها، آهنگرها، سنگ‌فروش‌ها و مشاغل پرسروصدای دور از مشاغل دیگر قرار می‌دادند تا ایجاد مزاحمت نکنند. پدید آمدن رسته و گردآوری کالاهای مشابه در

\* میدان شاه = شاه در این مورد بهی سلطان را نمی‌دهد. معنی «بزرگ» را می‌دهد. بنابراین به کار بردن پسوند یا پیشوند «شاه» در مسجدها، میدان‌ها، راه‌ها، رودخانه‌ها و غیره نشان از بزرگی و اهمیت آن مکان‌ها داشت که به غلط در حکومت‌های بعدی نام «شاه» به نام حاکم جدید تغییر می‌یافت. «مجله فردوسی»

شاهی و دارالحکومه و نشیمن‌گاه والیان و بزرگان شهر بود. پس از ارگ، شارستان قرار داشت که خانه‌های مردم و اهالی در آن قرار می‌گرفت. باغ‌ها و بیستان‌ها، محله‌ها را به هم متصل می‌ساخت تا اکوسیستم‌های زیست محیطی زندگی را برای شهروندان آسان‌تر کند. گرداگرد شارستان دیواری استوار و محکم می‌کشیدند که سور نامیده می‌شد. بر دور شارستان رِبَض را می‌ساختند که عبارت بود از ساختمان‌های تازه‌ساز و بازارها و محله‌های بیرون شهر.

در روستاها و شهرهای کوچک در هر کوی و برزنی، میدان یا بنگاهی وجود داشت که همه‌ی کوچه‌های آبادی به آن متصل می‌شدند. در کنار میدان، یک گرمابه، یک خانقاه، یک مسجد و یک بازار می‌ساختند. معمولاً خانه‌ی بزرگ ده و معتمد محل نیز نزدیک میدان بود تا مردم برای حل اختلاف به آن جا مراجعه کنند. در شهرهای بزرگ، بنگاه‌ها جای خود را به میدانی می‌دادند که میدان شاه\* نامیده می‌شد که پیرامون آن را بازارهای بزرگ و معتبر می‌گرفتند. بازار که غالباً سرپوشیده بود سه یا چهار طرف میدان را دور می‌زد و به وسیله‌ی ایوانی با میدان مربوط می‌شد. بازار دارای راسته‌های متفاوتی بود که مسیرهای اصلی بازار را تشکیل می‌داد. گاهی دو راسته یک دیگر را قطع کرده و تشکیل چهارسوق یا چهارسوق می‌دادند. سقف چهارسوق از دیگر قسمت‌های

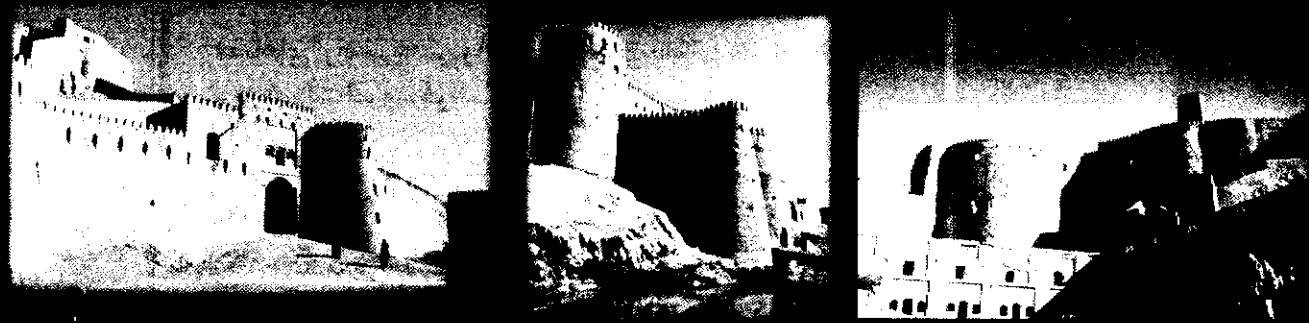
### نگاهی گذرا به معماری ایرانی

پژوهشگر: سیدمحسن محرابی  
(کرمانشاه)

در بین خاطرات پیران سالخورده‌ای که گاهی با جوانان هم صحبت می‌شوند آن چه بیش از همه متغیر و از دست رفته می‌نماید، معماری ایران است. نوجوان سیزده، چهارده ساله‌ی امروزی اگر به قرن چهارم سفر کند در ارتباط زبانی با مردم هزار سال پیش مشکل چندانی نخواهد داشت، اما برای گذشتن از کوچه پس کوچه‌ها و رسیدن به گذری و خانه‌ای مشخص، بی‌گمان راه را گم می‌کند. اگر ایرانیان به لطف داشتن فردوسی، زبان خود را حفظ کرده‌اند و با همت سعدی در طول هفتصد سال آن را ثابت نگه داشته‌اند، در عوض، حتا با معماری پنجاه سال پیش خود بیگانه‌اند.

معماری ایرانی که روزگاری جلوه‌گاه افتخار آفرین تمدن مردم این سرزمین به شمار می‌رفت، امروز در دیوارهای کاه‌گلی و فرسوده بافت قدیمی شهرها و روستاها محصور شده و رو به فراموشی نهاده است. این در حالی است که سیستم شهرسازی و معماری ایرانیان یکی از شواهد و دلایل معتبر تمدن بزرگ و کهن این مملکت بوده است.

شهرهای ایران در هزار سال پیش عبارت بود از کهن دژ و شارستان و رِبَض (Rabaz) کهن دژ یا ارگ شهر محل قصرهای



## سنتی و معاصر: سنت محیطی امروزی پایه سنتی است و به سدرین

مستقیماً وارد گرم خانه می شدند. برای ورود به گرم خانه نیز فاصله ای به نام میان در وجود داشت. در میان در یک یادو سکو جهت انداختن لنگ و گذاشتن دولچه و اسباب حمام وجود داشت و معمولاً راه دست شویی و مستراح نیز از داخل آن عبور می کرد. مردم پس از گذشتن از میان در که آن نیز راهروی پیچ در پیچ بود، وارد گرم خانه می شدند. فضای داخل گرم خانه به چند قسمت جهت کیسه کشی، لیف زنی، تمیز کردن و خزانه ها تقسیم می شد و قسمتی را به رگ زن جهت حجامت اختصاص می دادند.

خزانه ها در حمام های کامل ۲ عدد بودند. یکی مخصوص آب گرم و دیگری آب سرد و خزانه میانی نیز مخصوص آب ولرم بود. دو خزانه ای اطراف که حاوی آب گرم و سرد بودند و قله یا گله نامیده می شدند مورد استفاده کسی قرار نمی گرفتند و فقط از خزانه آب ولرم استفاده می شد. گرم کردن حمام نیز به وسیله ی تون انجام می گرفت که در زیر حمام ها قرار داشت و مواد سوختنی آن بته و هیزم صحرایی بوده است. برای گرم کردن کف حمام، زیر قسمت گرم خانه، گریه روهایی را می ساختند. ساختمان تون تشکیل شده از یک هواکش مستقیم و افقی و دودکش های

قیصریه ها در داشتند و از سایر راسته ها خلوت تر بودند. کوچک ترین قسمت هر بازاری دکان بود که انواع مختلفی داشت و دارای قسمت هایی چون، پاچال، پیش خوان، انبار و کارگاه بود.

در اطراف راسته بازارها یک یا چند حمام نیز ساخته می شد. قدمت حمام ها با توجه به اهمیت پاکیزگی در آیین زرتشتی به پیش از اسلام برمی گردد. کلمه ی گرمابه که تشکیل شده از دو کلمه ی گرم + آبه است ساختمان گرم معنی می دهد که عده ای به اشتباه آن را آب گرم معنی می کنند. کسی که می خواست به حمام برود باید از یک فضای سرد به فضای گرم دیگری قدم می گذاشت که اگر این کار یک دفعه صورت می گرفت، بدن دچار اختلال می شد و برای سلامتی انسان زیان داشت. پس در قسمت ورودی هر حمامی، راهروی بلند و پیچ در پیچ می ساختند که حد فاصل ورودی و دهلیز بود. مردم پس از گذشتن از این راهرو وارد دهلیز می شدند. دهلیز فضای پرزخ بود و غالباً دخل استاد حمام نیز در آن قرار داشت و در وسط آن یک حوض آب سرد نیز ساخته شده بود. برای ستردن موهای اضافی در قسمتی از بینه، سلمانی سر را می تراشید. تراشیدن سر برای همه ی مراجعین به حمام انجام نمی گرفت و کسانی که احتیاج به این کار نداشتند

دکان های نزدیک به هم در یک بازار یا تیمچه و یا سرا (برخلاف دیگر نقاط جهان) برای مقایسه ی مشتری از کیفیت و نرخ کالاها بوده است.

در قسمت هایی از بازار دالان هایی نیز وجود داشت. فرق دالان با راسته در این است که در دالان در کنار جنس های مشابه جنس های مختلفی نیز وجود دارد. باید توجه داشت که جنس ها مستقیم وارد راسته بازار نمی شدند. تردد کاری و چهارپا در بازار ممنوع بود. به همین دلیل اجناس از راهی موازی بازار به نام پس کوچه ها یا پشت کوچه در خانبار (کالنبار) ها خالی می شدند. خانبارها محوطه ی بزرگی بودند و در آن جا چند کارگاه برای بسته بندی و تقسیم بندی و انبار اجناس وجود داشت. در کنار خانبارها، سرایخان قرار می گرفت که حکم تجارت خانه های امروزی را داشت. نمونه ی جنس در آن جا تحویل گرفته و در جاهای مختلف پخش می شد. تجارت خانه های مشابه یک مرکز داشتند که آن ها را تیم یا تیمچه می گفتند و فرق آن ها با سرا در این بود که تیم و تیمچه ها را بعدها سرپوشیده می کردند. قیصریه ها نیز از محل های اصلی هر بازاری به شمار می رفتند. سراهای درازی که محل کار صنعتگران و پیشه وران ظریف کاری چون زرگران، گوهریان و بزازان بود.

کدبانویی که تا چندی پیش راز پخت و پز غذاهای مطبوع، خوش مزه و سنتی ایرانی را در پس پرده اسرار آشپزخانه های بسته ی سنتی می جست، امروز ناچار است در میان نگاه های کنجکاو میهمانان ترکیبی از مواد غذایی مختلف را به عنوان غذای آشپزخانه های (OPEN) در اختیار میهمانان قرار دهد

فضاهای آرامش بخش و اصیل خانه‌های سنتی دیروز، به صورت اتاق‌های لانه زنبوری و بی‌اصالت امروز، فرهنگ هم‌زیستی احساسی و عاطفی را بر هم ریخته است.

افقی مارپیچ بود. نخست تون یا خن را با هیزم فراوان می‌تابیدند در این هنگام دودکش عمودی مستقیم باز بود پس از مشتعل شدن هیزم‌ها دودکش عمودی اصلی را می‌بستند تا دود و شعله‌ی آتش در گریه‌روها بچرخد و کف گرمابه را گرم کند.

**نورگیری حمام** نیز به وسیله‌ی جام‌خانه که عنصری شیشه‌ای بود و در سقف حمام تعبیه می‌شد، انجام می‌گرفت. معمولا راه ورودی حمام مردان و زنان از یک کوچه نبوده و طوری نقشه را طرح می‌کردند که خزان‌ها به هم چسبیده و از یک جا و توسط یک کوره گرم شوند. اگر محلی یک حمام داشت روزهای هفته را بین زنان و مردان تقسیم می‌کردند. در حمام‌ها مراسم بسیار زیبایی چون حنابندان، حمام عروسی و زایمان و ... برگزار می‌شد.

**یکی دیگر از بناهای اصلی معماری ایرانی کاروان سراها هستند که بر اساس عملکرد آن‌ها به نام‌های متفاوتی خوانده می‌شدند. مانند: ساباط (سا به معنی آرامش و باط به معنی خانه = مکان آرامش) رباط (ساختمان‌های کنار راه به ویژه بیرون شهر) کاربات (خانه‌ی کاروان که پیش از اسلام به کار می‌رفته) و کاروان سرا (رباط‌های بزرگ و جامع).**

**پیدایش کاروان سرا** در ایران به دوران هخامنشی باز می‌گردد که متأسفانه نمونه‌ای از آن باقی نمانده اما طبق روایت تاریخ وجود چهارخانه‌ها و کاروان سراها در آن دوره مؤید آن است که ساختمان کاروان سرا معمولا دارای حصاری است که در گوشه و گاهی در میان اضلاع و دیوارهای آن برج‌هایی قرار گرفته‌اند. به طوری که دروازه‌ای میان دو برج یا شبه ستون جای دارد و دارای یک سردر ورودی است که با ارتفاع بیش‌تر خود در نمای ورودی متمایز می‌باشد. سردر ورودی یک فضای اضافی است و فضای اصلی آن را خواجه‌نشین یا شاه‌نشین می‌گویند و محل نشستن سرکاروان سرا بود که

مسئول نگهداری اموال کاروانیان و گاهی فروش مایحتاج به آنان بود. در سردر ورودی فضای غلام‌گردشی دو پله وجود داشت که طبقه‌ی هم‌کف را با اتاق‌های طبقه‌ی بالا مرتبط می‌ساخت. گاهی سرکاروان سرادار و مقامات بلندپایه و چاروادارباشی که رییس کاروان بود و مسئول بارگیری و باربندی و تأمین علوفه‌ی چهارپایان در اتاق بالا مسکن می‌گرفتند. به سردر ورودی در حالت کلی ایوان می‌گفتند که با حیاط مرکزی کاروان سرادار ارتباط بود. بیش‌تر کاروان سراهای مناطق کوهستانی ایرانی چهار ایوانی بودند. یعنی هنگامی که از ایوان ورودی وارد حیاط می‌شویم می‌بینیم که در وسط هر ضلع قوس و یا حتی طاقی بزرگ‌تر تعبیه گردیده است که فضای یک نواخت داخل حیاط را از بین می‌برد. اتاق‌های مسافران معمولا پیرامون حیاط ساخته می‌شد و پشت آن‌ها اصطبل قرار داشت. ورودی اصطبل‌ها در چهار گوشه‌ی داخلی بنا قرار می‌گرفت. طوری که از صحن کاروان سرا کاملا مجزا باشد. به جز چند راهرو که برای جلوگیری از رم کردن حیوانات و عدم دست‌یابی راهزنان به آنان کاملا در دسترس بود.

**آبریزگاه‌ها** نیز معمولا در گوشه‌ی حیاط و یا در زیر و یا داخل برج‌ها قرار می‌گرفتند. اما یکی از مسایل اصلی کاروان سراها تأمین آب و آب‌خنک بود. برخی کاروان سراها در کنار رودخانه‌ها بنا می‌شدند و خودبه‌خود این مشکل



تاریخ  
فرهنگ

مرتفع می‌شد. در غیر این صورت از آب انبارها استفاده می‌کردند. برای این کار در زیر ساختمان کاروان سرا مخزنی تعبیه می‌کردند و آب را از مناطق کوهستانی آورده در آن می‌ریختند و برای جلوگیری از گندیده شدن آن مقداری آهک و نمک را به آن اضافه می‌کردند. بدین ترتیب روی آن لایه‌ای بسته می‌شد که از گندیدن آب جلوگیری می‌کرد.

**قسمت راهرو** آب انبارها که شامل پله‌هایی برای ارتباط فضای اصلی کاروان سرا با آب انبار است معمولاً شبیه به هم هستند که گاهی در پاگردهای آن بساط شربت خوری، بستنی فروشی و یا قهوه‌خانه برپا می‌شده است. برای خنک کردن آب نیز از **بادگیر** یا **خیشخان** استفاده می‌شد. بادگیرها با توجه به جهت‌های وزش باد به صورت‌های چهارگوش، مستطیل و کویری ساخته می‌شدند. بر اثر برخورد باد با مانع یا دیواره پره‌های درونی، باد ناچار به فرود می‌شد. شکاف‌های دیگر بادگیر که پشت به جهت وزش باد بودند هوای آلوده و گرم را خارج می‌کردند.

وزش باد خنک بر روی سطح آب باعث خنکی و سرد شدن آن می‌شد. در صورت نبودن بادگیر از خیشخان استفاده می‌شد که محفظه‌ای بود که پیرامون آن را با حصیر یا سفال پوشانده بر آن آب می‌پاشیدند تا بر اثر وزش باد هوای خنک را به درون بکشاند (مانند کولر امروزی) بدین ترتیب مردم از آب‌های خنک و پاکیزه استفاده می‌کردند.

**فضای اصلی** هر شهری را خانه‌ها تشکیل می‌دادند. در گذشته خانه به اتاق اطلاق می‌شد. اتاق خصوصی را **وستاخ**، وثاق و یا **گستاخ** می‌نامیدند. و به جای خانه از لفظ **سرا** بهره می‌گرفتند. نمای بیرونی و خارجی خانه‌ها از دیوارهای کاه‌گلی ساخته می‌شد. در این نمای کاه‌گلی قسمتی بود که معمولاً نسبت یک به دو تورفتگی داشت که سردر خوانده می‌شد. سردر تنها نمای بیرونی خانه بود که به صورت مجل ساخته می‌شد. درب اصلی ورودی نیز در آن قرار داشت که سردر یا دروازه خوانده می‌شد که چوبی بوده و از دو قسمت یا دو لته تشکیل می‌گردید. **چار چوب** در معمولاً از پنج قطعه چوب ساخته می‌شد، که دو تایی آن عمودی و سه تایی آن یکی در بالا و دو تدر آستانه به صورت افقی نصب می‌شد. و میان دو پاره چوب افقی پایین، آستانه کوبیده می‌شد که ارتفاع آن معمولاً چهار گره و یک چارک بود. در پشت آستانه نیز معمولاً یک تکه چوب افقی کوبیده می‌شد که **پاشنه گرد** خوانده می‌شد و جای پاشنه‌ها در آن مشخص می‌گردید. روی درز میان لته‌ها چوب نازکی کوبیده می‌شد که **دماغه** نام داشت و به وسیله‌ی گل میخ به یک لته متصل می‌گردید. هر لته در بالا به یک یا دو زنجیر مجهز بود که لته و چار چوب را به هم متصل می‌کرد. این زنجیرها را **چفت** می‌گفتند. زنجیری که لته و چار چوب پایینی را به هم متصل می‌کرد **پاچفت** خوانده می‌شد و دسته‌ای فلزی نیز برای دق الباب بر هر لته دیده می‌شد که یکی مخصوص زنان بود که **حلقه** نام داشت و دیگری را که برای استفاده مردان بود **کوبه** می‌خواندند.<sup>۱</sup>

**کنار** در سکوهایی بود که **پاخوره** نامیده می‌شدند و برای کسانی بود که با صاحب خانه کار داشته ولی لازم نبود وارد خانه شوند و همین‌طور **پاتوقی** برای صاحب خانه یا پسر خانه محسوب می‌شدند. اولین عنصری که بعد از باز شدن در دیده می‌شد هشتی بود. اگرچه پیش‌تر آن هاشت ضلعی بودند، اما هشتی به معنای هشت گوشه نیست. منظور از هشتی چیزی است که از فضای داخل خانه بیرون



با روی گرداندن از فرهنگ غنی سنتی خود، هم از سنت‌های شایسته و نیک خود فاصله گرفتیم و هم در فرهنگ‌های مدرن جایی نداریم.

۱. هر ۴ گره یک چارک است و هر ۴ چارک یک زرع و زرع عبارت است از فاصله‌ی آرنج تا سر انگشتان دست. ۴ گره و یک چارک می‌شود: دو چارک. اگر بر این مبنا محاسبه شده باشد درست نیست. زیرا به جای استفاده از ۴ گره و یک چارک می‌توانست گفته شود: دو چارک. "مجله فردوسی"

۲. حلقه‌ای که مخصوص کوبیدن زنانه بود به صورت دایره و وسیله‌ای که برای کوبیدن مردانه بود به شکل چکشی می‌ساختند. حلقه‌ی زنانه از چکش مردانه سبک‌تر بود و معمولاً در روی حلقه‌ی زنانه عکس خورشید با چشم و ابروی زنانه و در روی چکش مردانه عکس سر یک شیر که هر دو برجسته بودند ریخته‌گری و یا حک می‌شد که دو درکوب از یک دیگر باز شناخته شوند. "مجله فردوسی"



همان طور که مشاهده می شود در فضای شهرسازی سنتی ایرانی رعایت علم معماری از یک سو و احترام آداب و فرهنگ سنتی از سوی دیگر جای گاه ویژه ای دارد که متأسفانه در معماری امروزی از آن استفاده نمی شود. در فضای خانه های امروزی، با باز شدن درب اصلی حتی برای چند دقیقه، حریم امن خانه از بین می رود. سالن پذیرایی بر تمام خانه مشرف است و میهمان می تواند تمامی رفتارهای میزبان را مشاهده کند. درب سرویس بهداشتی (توالت) به پذیرایی باز می شود و تمامی فضای آشپزخانه در معرض دید عمومی قرار دارد که تعارض هایی را با فرهنگ اصیل ما موجب می شود.

**توقع این نیست** که با جمعیت کنونی و مسئله رعایت بهداشت عمومی از حمام های سنتی و خانه هایی با هشتی و دالان و اندرونی و بیرونی استفاده کنیم. جامعه ی امروزی ما ملزم به آپارتمان نشینی است، اما تقلید کورکورانه از معماری دیگران را نیز نباید بپذیریم.

**آپارتمان نشینی** بهره گرفتن صحیح از فرهنگ دیگران و استفاده بهینه از زمین های شهری است، اما استفاده از آشپزخانه ها با سیستم باز (OPEN) تقلیدی کورکورانه از فرهنگ های غربی است که با فرهنگ ایرانی در تناقض کلی می باشد و خانم خانه را وادار می کند که برای حفظ دکوراسیون آشپزخانه در میهمانی ها به جای غذاهای

آمده و تنها جایی است که با بیرون خانه ارتباط دارد. داخل هشتی عناصر مختلفی چون سکو و چراغ دان بود و برای رفتن به فراور (اتاق بالای هشتی) پله ای در نظر گرفته می شد. بعد از هشتی راهرویی پیچ در پیچ وجود داشت که باعث می شد حریم خانه از دید افراد غریبه در امان بماند. راهروهای پیچ در پیچ و هم چنین راهروهای بزرگ سرپوشیده خانه را دالان می گفتند. پس از گذشتن از دالان فضای اصلی خانه آغاز می شد که شامل دو قسمت بیرونی و اندرونی بود. بیرونی مخصوص میهمانان بود و ندرونی برای اهل خانه و خدمه به کار می رفت.<sup>۲</sup>

**اولین بخش** این قسمت حیاط بود که صحن یا میان سرا خوانده می شد. گاهی اوقات در خانه های دو طبقه به حیاط به گود نشسته ای در میان حیاط خانه برمی خوردیم که **گودال باغچه** نام داشت و اختلاف آن با حیاط اصلی به اندازه یک طبقه بود. پس از عبور از حیاط راهرویی وجود داشت که ارتباط فضای باز و اتاق ها را میسر می ساخت. این راهرو را یکدوری می گفتند. اتاق کوچک خانه دودری بود و اتاق خواب سه دری نامیده می شد. به اتاق مجلل و بزرگ خانه که برای میهمانان بود پنج دری می گفتند. در داخل پنج دری و در بالای آن تورفتگی کمی بالاتر از سطح زمین قرار داشت که شاه نشین خوانده می شد. هر اتاق دو ردیف طاقچه داشت طاقچه ی پایین که معمولاً مستطیل شکل بود و ارتفاع آن از کف اتاق حدود یک گز می شد که برای وسایل روزمره چون آینه، جانمان، آفتابه لگن، سرمه دان و ... استفاده می شد در طاقچه بالا که طاقی شکل بود وسایل دیگری چون ظرف شربت خوری، قاشق افشرد خوری، لگن فالوده خوری و ... قرار می گرفت. پشت هر اتاق گنجبه و پستویی نیز وجود داشت.

### خانواده برای

شب نشینی های تابستانی در **ایوان** می نشستند. ایوان فضای مسقفی بود که از سه طرف محدود و از یک طرف به فضای باز مشرف می شد. اگر سقف ایوان را برمی داشتند آن را **مهتابی** می گفتند. از دیگر قسمت های اصلی خانه های قدیمی می توان به **حیاط خلوت**، **رواق**، **صفه**، **تالار**، **کفش کن**، **سرداب** (زیرزمین) و ... اشاره کرد.

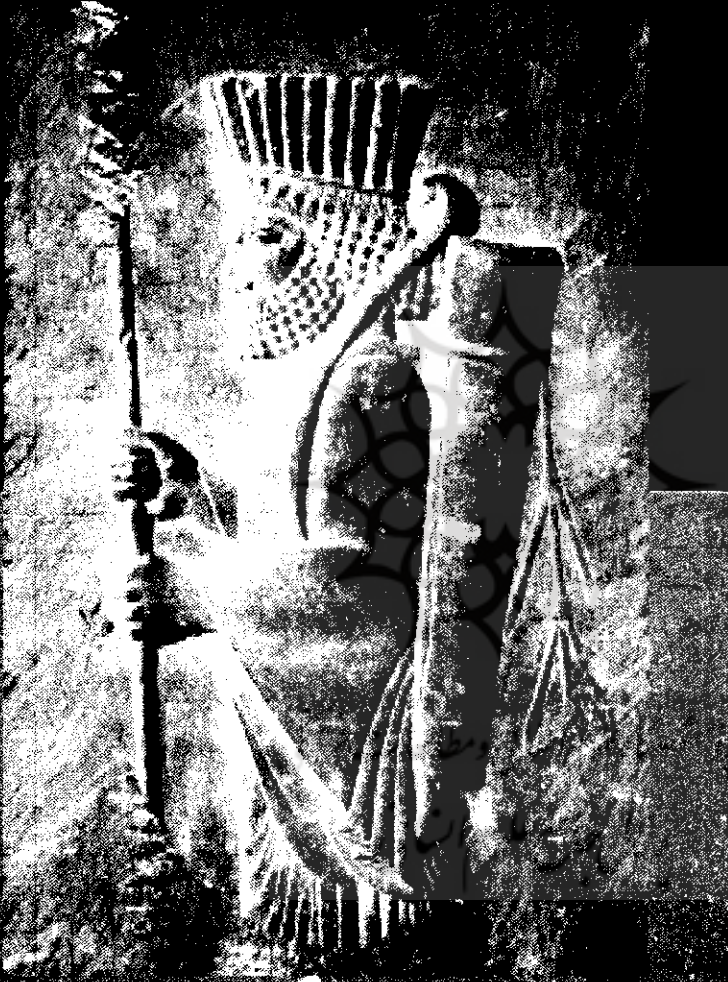
در حالی که هنوز آداب پیش بافتاده غذا خوردن یک آدم با فرهنگ را نیاموخته ایم و به هنگام غذا خوردن صداهای عجیب و غریب از خودمان در می آوریم و ضربه های گوش خراش قاشق و چنگال به بشقاب و میز و لیوان و ... سر و صدای بازار مسگرها را نداعی می کند، چه گونه از فرهنگ مدرن و پست مدرن برای حل و فصل مسایل اجتماعی و زیست محیطی می خواهیم بهره ببریم.

۲. کسانی که با صاحب خانه کار داشتند اگر چندان اهمیت نداشتند در پله بیرون در منتظر می ماندند که صاحب خانه و یا پیش کار او بیاید و کارش را انجام دهد. اگر مراجعه کننده گان از اهمیت درجه ی دوم برخوردار بودند به داخل هشتی هدایت می شدند و روی یکی از پله های گرد اگر د هشتی می نشستند تا صاحب خانه بیاید و آن ها را ملاقات کند. مراجعه کننده گانی که از درجه ی اول اهمیت برخوردار بودند به داخل بیرونی که خانه ای بود مستقل از خانه ی اصلی هدایت شده و حتا از آن ها پذیرایی می شد. افراد بسیار خودمانی و ممتاز و نزدیکان درجه ی یک به داخل اندرونی می رفتند.  
مجله فردوسی

خانه‌گی و سنتی ایرانی به غذاهای آماده رستوران‌ها روی بیاورد و این گام اول برای برچیده شدن فرهنگ سنتی و مانده‌گار خانواده‌هاست.

دشمنان و دزدان فرهنگ ایرانی هم چون آن دزدبن دیوار مثنوی مولوی هستند که خود را چون دهل زنانی معرفی کرده که صدای دهل آن‌ها قرار است فردا به گوش برسد. دریغا که فرداها گذشتند و قرن‌ها آمدند و رفتند و بانگ دهل به گوش ما نرسید و ما از خواب غفلت بیدار نشدیم و هم‌چنان به تقلید کورکورانه ادامه دادیم. فرهنگ عاریتی ما همانند آن کلاغی شد که رفت تاراه رفتن کبک و خرامیدن با ناز او را یاد بگیرد، اما نه تنها راه رفتن کبک را نیاموخت، بلکه راه رفتن خودش را هم فراموش کرد.....

افزونی بی‌رویه، ناآگاهانه و انفجاری جمعیت ایران فقط در طول دودهمه، بحران‌های گسترده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را موجب گردیده است که در طول تاریخ کهن سال این سرزمین سابقه نداشته است.



گرایش و تقلیدهای کورکورانه از مدرنیسم غرب سبب شده است نه از تکنولوژی، خردورزی و علم‌سالاری غرب استفاده ببریم و نه جرأت و شهامت بازگشت به خویشتن را داشته باشیم.

## منابع

۱. آشنایی با معماری اسلامی ایران تألیف استاد محمدرکیم بیرتیا، بدون علامت حسین معماریان بهمن ۷۴، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲. کاروان سیراها، ایران بهمن ۷۴، انتشارات کتانی، والفراغ گلدریس، چاپ اول، زمستان ۷۳، ناشر میراث فرهنگی.
۳. معماری ایران، پروفیسور آر تور ایلام بوب، ترجمه کرمان‌الله هسار، انتشارات بساوی فرهنگ سیرا ۱۳۶۵.
۴. مجموعه مقالات دومین کنفرانس تاریخ معماری و شهرسازی ایران، محمدسودا مقاله ساختمان حمام خسرویی منزل بساوه.
۵. گنج‌نامه‌ها، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران دفتر اول، حقه‌های کاشان، نامیر حاجی قاسمی، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی ۱۳۷۵.
۶. گنری و نظری در فرهنگ مردم سید ابوالقاسم انجوی شیرازی و محمود ظریفیان، پاییز ۷۱ انتشارات اسپرک، میراث فرهنگی استان کرمانشاه.
۷. گفته‌های شفاهی مهندس محمدرضا رشیدی مسئول واحد حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی استان کرمانشاه.